

# مذاکرات مجلس

صورت مشروح مجلس روز پنجشنبه ۹ اردی بهشت ماه ۱۳۱۰ \* (۱۱ ذی حجه ۱۳۴۹)

## فهرست مذاکرات

- ۱) تصویب صورت مجلس
- ۲) شور اول لایحه اقامت اتباع خارجه در ایران
- ۳) تقدیم سه فقره لایحه از طرف آقای وزیر عدل
- ۴) موقع و دستور جلسه بعد - ختم جلسه

مجلس يك ساعت و نیم قبل از ظهر بریاست آقای دادگر تشکیل گردید

صورت مجلس یکشنبه پنجم اردی بهشت ماه را آقای مؤید احدی (منشی) قرائت نمودند \*\*

### [ ۱ - تصویب صورت مجلس ]

رئیس - در صورت مجلس نظری نیست ؟ ( گفته شد خیر ) صورت مجلس تصویب شد

[ ۲ - شور اول لایحه اقامت اتباع خارجه در ایران ]

رئیس - خبر کمیسیون داخله راجع به اقامت اتباع خارجه در ایران مطرح است مذاکره در کلیات است . اعتراضی نیست ( نمایندگان - خیر ) رای میگیریم بورود در مواد موافقین به ورود در مواد قیام فرمایند . ( اکثر برخاستند )

رئیس - تصویب شد . ماده اول قرائت میشود .

ماده اول - هر يك از اتباع خارجه برای ورود و اقامت و خروج از ایران باید اجازه مامورین مربوطه ایران را تحصیل نمایند .

رئیس - ماده دوم قرائت میشود :

ماده دوم - اجازه ورود با ایران و عبور از آن بوسیله ویزای مامورین ایران در خارجه درروی تذکره و یا اوراق شهادت نامه های هويت صادره از طرف دولت متبوعه هر کس تحصیل می شود

مامورین ایران در خارجه در موارد ذیل باید از دادن ویزا خود داری نمایند .

\* عین مذاکرات مشروح بیست و پنجمین جلسه از دوره هشتم تقنینیه . ( مطابق قانون ۸ آذرماه ۱۳۰۵ )  
دايرة تند نویسی و تحریر صورت مجلس

\*\* اسامی غائبین که ضمن صورت مجلس خوانده شده است : غائبین با اجازه - آقایان : اشتیانی - ارباب کیخسرو - دکتر سنگ جیدی - دهر سهرابی

غائبین بی اجازه - آقایان : تیمور تاش - دبستانی - حاج محمد رضا پنهانی - دکتر امیر اعلم - مرتضی قلیخان یات - اعظم زنگنه

چایچی - روحی - عبدالحسین خان دیبا - آقا رضا مهدوی - اسعد - مسعود ثابتی - معضی

دیر آمدگان بی اجازه - آقایان : اسدی - متهم سنگ - شریعت زاده

اجازه جایز نیست

رئیس - ماده چهارم قرائت میشود.

ماده چهارم - اقامت اتباع خارجه در ایران بردو قسم است اقامت موقت و اقامت دائم اقامت دائمی در صورتی است که خارجی در خاک ایران اقامتگاه قانونی اختیار نموده باشد و در غیر این صورت اقامت خارجی در ایران موقت محسوب می شود.

اجازه اقامت موقت و یادائم از طرف نظمی باید داده شود و هیچیک از اتباع خارجی بدون اجازه مزبور و پیش از مدت معینه در اجازه های مذکور نمیتوانند در ایران اقامت نمایند اجازه اقامت موقت و یا دائم قابل تجدید و تمدید می باشد.

رئیس - آقای یاسائی

یاسائی - بنده می خواستم استعلام کنم از آقای مخبر کمیسیون داخله یا آقای وزیر داخله توضیح بدهند قانونی را که بین اقامت دائم و موقت در نظر گرفته اند از حیث علائم و آثار چه طور می شود تشخیص داد که این اقامت دائم است یا موقت و یکی دیگر اینکه مسائل مشکله عمومی این است که تفاوت قائل شوند بین این دو قسمت ما در کمیسیون عدلیه هم این قسمت را درست توانستیم حل کنیم فقط تنها راهی که پیدا کردیم آن لغت فرانسه است که حالا در جزو قانون (که دمسیل) باشد گذاشتیم برای اینکه آنطوریکه در جاهای دیگر دنیا اقامت دائم شناخته می شود در ایران هم همانطور معمول باشد. حالا اگر مقصود از اقامت دائم همان دمسیل باشد بنده نظرم این است که در این جا قید شود و نوی پرا ترا کلمه فرانسه آن گذاشته شود و اگر جور دیگر معنی می کنید توضیح بدهند چون خیلی مشکل است در عمل تشخیص این زیرا ملیت آن شخص و قصد آن اقامت کننده خیلی آسان نیست فهمیدنش. میگوید من میخواهم بمانم و خیال اقامت دائم دارم بعد عرض می شود که ممکن است اقامتش موقت باشد و دولت ترتیب اثر با اقامت دائمی او بدهد در صورتیکه ممکن است اینطور نباشد میخواستیم این را عرض کنم که توضیح بدهند ناروشن بشود.

وزیر داخله (آقای منصور) - موضوع اقامت دائی بهمان صدق میکند که مقصود اختیار منزل باشد اختیار

اقامت گاه باشد بهمان ترتیبی که فرمودید دمسیل بهمان اصطلاح و ضمناً قصد اقامت به مدتی که پیش از اقامت موقتی باشد آن را ما تعبیر میکنیم با اقامت دائم و مشمول قرار می دهیم به مقرراتی که مربوط با اقامت دائم باشد (صحیح است)

رئیس - آقای اعتبار

اعتبار - بنده همین پیشنهادی که آقای یاسائی فرمودند داشتم که حالا جواب فرمودند در قسمت اقامت دائم و موقت ضمناً هم خواستم سؤال کنم که دولت برای این ویزائی که مقرر است و میدهد حقوقی هم اخذ میکند یا خیر. برای اینکه این مسئله در همه جای دنیا معمول است که برای اتباعی که در یک خاک دیگری زندگی می کنند یک حق اقامتی از آنها اخذ می شود و هر شش ماه یکمرتبه یکسال یکمرتبه تجدید می شود میخواستیم از آقای وزیر داخله سؤال کنم که برای این تجدید هم حقی اخذ می شود؟

کائرونی (مخبر کمیسیون) - اگر بیشتر دقت فرموده بودند در ماده چهاردهم راجع به سؤالی که برای اخذ حقوق فرمودند در آنجا ذکر شده و البته بایستی که چه اجازه موقت و چه اجازه دائم باشد بر طبق نظامنامه که در این قانون هم ذکر شده است بعقیده بنده یک تربیاتی قائل شوند بسیاری از مواردی که اظهار میفرمایند اینها مطالب نظامنامه است و احتیاج ندارد جمیع مطالب و جزئیات را مادر این جا بگنجائیم.

رئیس - آقای فهیمی

فهیمی - با توضیحاتی که آقای وزیر داخله در جواب آقای یاسائی اظهار فرمودند توقف اتباع خارجه در ایران سه مرحله پیدا میکند یکی اشخاصی که دمسیله میشوند یعنی مقرر دائمی و مسقط الرأس و اقامت خودشان را در ایران قرار میدهند ولو اینکه بخارج هم مسافرت نمایند مسکن آنها ایران خواهد بود. یکی هم آلهائی که بعنوان دائم مثلاً برای مدت زیادی در ایران توقف میکنند ولی مسکنشان در ایران نخواهد بود یکی هم آلهائی که موقت هستند در این قانون برای اقامت موقت تکلیفی معین

نشده است که تفاوت آنرا با اقامت دائم معلوم کند و همینطور برای اشخاصی که دمسیل خودشان را قرار میدهند در اینجا ما هیچ شرطی در اینجا معین نشده است فقط دو قسم را ذکر کرده اند یکی اقامت موقت و یکی اقامت دائم اگر دائم را ما به دمسیل تعبیر کنیم آنوقت دیگر عنوان تجدید نظر و تمدید معنی ندارد چرا که حد وسطی مابین اقامت دائم و اقامت موقت دمسیل خواهد بود آنوقت لازم است برای اقامت موقت یک حدی معین شود و اینکه آقای مخبر موکول کردند به نظامنامه کافی نیست این سه قسم اقامت را باید قانون معین کند اقامت دائم و موقت و مسکن قبول کردن او در ایران و شرط مسکن را هم باید معین نمایند که چه خواهد بود و اینجا فقط با اقامت دائم و موقت اشاره شده است ولی برای آن کسانی که باید مسقط الرأس خودشان را در اینجا قرار بدهند باید در قانون توضیح داده شود که تکلیفشان چیست

مخبر - همانطور که فرمودند اجازه بر طبق این قانون

اجازه موقت و اجازه دائم است اجازه موقت اگر مراجعه فرموده باشند از آن محلی که حرکت میکند مثلاً از شیراز بطور مطلق اجازه توقف یکماه باو داده میشود پس از ورود به شیراز اگر قصد توقف دائم داشته باشد یعنی زیاده از آن یکماه بایستی از نظمی محل با آن شرایطی که در اینجا ذکر شده است مدت زیادتری را تحصیل کند و برای اجازه دائم هم مدت معین شده یعنی همینکه ما اینجا ذکر کردیم که در هر سال باید اجازه دائم را تجدید کند پس بنا بر این مدت هر زمانی که اجازه ثانوی تحصیل نکرده است یکسال است بنا بر این گمان نمیکنم هیچ اشکالی داشته باشد اگر نظری هم دارید پیشنهاد فرمائید می آید به کمیسیون ملاحظه و مذاقه میشود

رئیس - ماده پنجم قرائت میشود:

ماده پنجم - اتباع خارجه ملزم میباشد در انقضای مدت اجازه عبور و یا توقف از خاک ایران خارج شوند مگر اینکه از نظمی تقاضای تمدید مدت کرده و تحصیل اجازه نمایند.

در اجازه ورود و عبور ممکن است گذشتن یک یا چندین

مرتب از سرحدات نیز قید شود

رئیس - آقای عدل

**عدل** - عرض کنم قوانینی که راجع به تذکره نوشته شده است برای این نکته که در آخر نوشته می شود (در اجازه ورود و عبور ممکن است گذشتن يك یا چندین مرتبه از سرحدات نیز قید شود) يك ماده مخصوصی داشته است یعنی این شرط مخصوصی بوده است باشخاصی که در قراء سرحدی می نشینند اشخاصی که در قراء سرحدی هستند در سرحدات آنها مجبورند که می تردد کنند بیابند این طرف بروند آنطرف برای آنها يك تذکره مخصوصی بود که قیمتش هم نسبتاً کمتر بود و مدت داشت تا آمدت میتوانست بدهد حالا نمیدانم اینجا چه مقصودی دارند يك تبعه خارجی مثلاً از فلان مملکت می آید اینجا در تذکره او چه صلاح است که نوشته شود که این مکرر میتواند از این سرحد بآن سرحد عبور و مرور کند این اشخاص هیچ محتاج نیستند بنده قدری هم مضر میدانم این است که تصور میکنم اگر این را ماده مخصوصی کنند و این را انحصار بدهند باین قبیل اشخاص مثلاً اشخاصی که در جلفا نشسته اند در جلفای ایران در آستارا نشسته اند در آستارای ایران یا در باجگیران نشسته اند اگر نوشته شود که اینها میتوانند تردد بکنند عیب ندارد ولی يك تبعه خارجی که امروز از لهستان یا فلان مملکت می آید چه صلاحیت دارد در تذکره او نوشته شود که او مکرر می تواند از این سرحد عبور و مرور کند بنده این را اصلاح نمیدانم.

**وزیر داخله** - عرض کنم این مطلبی که فرمودید البته از حیث مقصود اختلافی درش نیست همین است که آن اشخاصی که در قراء سرحدی هستند و کثیر المسافر هستند بتوانند با يك تسهیلاتی عبور و مرور کنند و بطور تصریح نمیتوانیم قید کنیم که آنها چه اشخاصی هستند و یکی ها داده می شود و یکی ها داده نمی شود بلکه این تشخیص بسته بنظر مأمورین محلی است که يك اشخاص مسافری قراء سرحدی را با اشخاص

رئیس - آقای رهنما.

**رهنما** - بنده عقیده دارم اگر آقای وزیر داخله موافقت فرمایند این ماده جزو نظامنامه بشود انطباق بهتر است. چون این ماده يك ماده نیست که در قانون وضع شود ۴۸ ساعت ۲۸ ساعت این جزو مقررات نظامنامه است که در همان باید نوشته شود و بهتر است و دستشان بازتر است و میتوانند اگر مشکلی برایشان پیدا شد حل کنند و جرح و تعدیل نمایند اما اگر قانون تعیین ۴۸ ساعت بکند خوب نیست.

**مخبر** - چون در اینجا يك وظیفه است که از برای صاحبان منازل عمومی و غیر آنها تعیین شده است و قانون که شد بنظر آنها میرسد و تشخیص می دهند لکن اگر فقط این نظامنامه شد تمام افراد مردم شاید واقف نشوند از آن از اینجهت و نظر باینکه این مسئله برای دولت مهم و یکی از مسائل خیلی اساسی است در قانون ذکر شده و اینکه توضیح داده که شاید محتاج باشد در قانون ذکر شود عرض می کنم ذکرش نه تنها بی ضرر است بلکه لازم هم هست

رئیس - آقای عدل

**عدل** - بنده در این ماده فقط چیزی را که ناقص می دانم این است که باید نوشته شود در آنجا هائی که نظمی وجود ندارد اتباع خارجه ملزم اند که بحکومت محل اطلاع بدهند ولی در آخر ماده يك عبارتی است که نمیدانم مقصود همین مطلب است یا اینکه بنده معنای آن عبارت را اصلاً نمیفهمم و آن عبارت این است (وظایفی که بموجب این ماده خارجیان در اطلاع دادن منزل و ثبت اسم بعهده دارند ممکن است بموجب نظامنامه بتوسط اشخاص دیگر انجام داده شود) این را بنده نمیفهمم اگر مقصود همان عرض بنده است که وقتی مثلاً در محلی که نظمی نیست بحکومت یا مأمور دیگر اطلاع دهند اگر مقصود اینست که بنده از این عبارت نمیفهمم و اگر مقصود این نیست پس این عبارت را توضیح بدهند و آن عبارت هم لازم است که نوشته شود که در

جائیکه نظمی نیست اتباع خارجه ملزم و موظفند بحکومت محل اطلاع بدهند

**مخبر** - مقصود آقا اینجا حاصل است بواسطه اینکه در جاهای دیگر نوشته شده است در نقاطیکه نظمی نیست بحکومت محل بایستی اطلاع بدهند و اما در قسمتی که سؤال کردند که آیا مقصود همان است یا خیر عرض میکنم خیر مقصود اینست که اگر یکی از اتباع خارجه در ظرف ۴۸ ساعت یا مدت معینه از ورود و مقصود خودش خبر ندهد فرضاً يك محظور و مشکلاتی داشت که نتوانست خودش حاضر شود بتوسط اشخاصی که در دسترس هستند بتواند خبر بدهد مثلاً بکنفر از اتباع خارجه مریض شد و خودش مقدرش نشود که حاضر شود و اسمش را بگوید قانون اینجا میگوید توسط دیگری اینجا اشکال ندارد خیر بدهد

رئیس - آقای دکتر طاهری

**دکتر طاهری** - بنده خواستم سؤال کنم وظیفه که برای صاحبان منازل عمومی معین کرده اند اگر برای اطلاع دادن آنها يك فلسفه فرض میشود چرا در صورتیکه ان مسافر بیش از ۴۸ ساعت اینجا توقف بکنند باید اطلاع بدهد ولی اگر يك روز ماند صاحبان منازل نباید اطلاع بدهند؟ اگر این فلسفه دارد برای اطلاع يك روز هم باید باشد که وقتی او وارد شد در يك منزلی باید اطلاع بدهد که نظمی مسبوق باشد از ورود او به عقیده بنده این که نوشته شده است (صاحبان منازل عمومی نیز موظفند توقف هر تبعه خارجی را که بیش از ۴۸ ساعت در منزل آنها توقف مینماید به نظمی اطلاع بدهند) این بیش از ۴۸ ساعتش موردی ندارد

**مخبر** - برای ۴۸ ساعت فرض میشود تبعه خارجی در حال عبور است این تکلیف را معین کردن لازم نیست برای اینکه این ۴۸ ساعتها در بین عبور مکرر اتفاق می افتد هیچ لازم نیست مکرر و در هر منزلی صاحبان منازل بیابند خبر بدهند اما اینکه میفرمایند چه فلسفه دارد ۴۸ ساعت البته پس از این که خارجی وارد شد

روز اولش که گذشت روز دوم حتماً بایست خبر بدهد این هم تسریع است و هم مهلتی است داده شده است اگر غیر از این چیزی میدانید پیشنهاد بفرمائید در کمیسیون مجدداً ملاحظه میکنیم

**رئیس - آقای فهیمی**

**فهیمی -** اینکه نوشته شده است (اتباع خارجه مکلفند در ظرف ۴۸ ساعت بنظمیه مراجعه و اجازه صادر کنند) اتباع خارجه که مقیم خارجه هستند معلوم نیست که تمام قوانین ما را خوانده باشند و مطلع شده باشند مثل اینکه یقین دارم هیچیک از آقایان شرایطی که دول خارجه برای اقامت یا عبور از خاک خودشان قرار گذاشته اند اطلاع ندارند نهایت آنوقتی که وارد می شوند دفتری است می آورند امضا می کنند و خود آنها اطلاع ندارند اینها هم همین حال را دارند فرضاً يك نفر امریکائی از کجا اطلاع دارد که در ظرف ۴۸ ساعت باید به نظمیه اطلاع بدهد بخصوص که در بعضی جاها هم که نظمیه ندارد و در اینجا هم که مهمانخانه زیاد نیست فرضاً در منزل کسی هم توقف و منزل کرد شاید صاحب منزل هم اطلاع نداشته باشد بنده گمان میکنم اینجا بجای اینکه بگوئیم اتباع خارجه مکلفند که این عمل را اجرا کنند نوشته شود مأمورین خارجه در موقعی که تذکره میدهند مکلفند بانها بگویند یا بنویسد که به محض ورود در ظرف ۴۸ ساعت باید اطلاع بدهند و اجازه تحصیل کنند والا تبعه خارجه که با ویزای معمولی وارد می شود در یکی از قاطایران از کجا اطلاع پیدا خواهد کرد که فقط در ظرف چهل و هشت ساعت یا کمتر باید این عمل را تعقیب کند این ترتیبی است که در هیچ جای دنیا معمول نیست این از وظایف خود مأمورین دولت است که باید در خارج به آنها حالی کنند و آنها را متذکر کنند

**وزیر داخله -** در این مورد البته آن منزلگاه هائی

که مسافر وارد می شود اتباع خارجه وارد می شوند از قبیل هتل در آنجاها این مقرراتی که راجع باین قانون

نمی آیند میروند به آن منزلهائی که بمنزله يك گاراژ و مهمان خانه ایست که اصلاً قوه تشخیص تبعه خارجه و داخله را ندارند و نمی تواند تمیز بدهد مثلاً در دهات و قصبات کوچک و این جاها که اصلاً سابقه باین موضوع ندارند يك فکری باید بفرمائید که اسباب زحمت این بیچاره ها نشود که بگویند دیشب یکی از اتباع خارجه در منزل تو بود و باید فلان قدر جرم بدهی اول باید تعیین کنید تا میزانی در دست او باشد يك حدودی برای تشخیص بطور کلی بدست او بدهید که يك اصلی در دستش باشد که فردا اسباب زحمت او نشوند و صاحب خانها در فشار و زحمت نباشند

**مخبر -** اولاً این فرمایشی که حضرت والا فرمودند منظور از منازل که در این جا ذکر شده است منازل شخصی و خصوصی نیست و مقصود منازل عمومی است و برای منازل عمومی يك وظایف و تکالیفی باید مقرر شود و از طرف دولت یا وزارت داخله هم معین و به آنها بلاغ می شود. بعلاوه ما باید حقیقتاً مردم را عادت بدهیم که بیشتر مراقبت داشته باشند. با همه اینها اگر میدانید وسائل تسهیلی دست و راه بهتری دارید پیشنهاد بفرمائید البته در کمیسیون مورد دقت قرارش میدهم.

**رئیس - آقای افسر**

**افسر -** این جوابی که آقای کازرونی بعنوان کلی و متحدالمان بفرموده می فرمائید که هر کسی این را اگر بهتر مسبوقست پیشنهاد بدهد. اینطور نیست آقا عرض می کنم که تبعه خارجه وقتی آمد .... وزیر داخله که این لایحه را پیشنهاد کرده است البته در جزئیاتش هم دقتها و فکرهائی کرده است و ما چون مطلع از جزئیات نیستیم و ایشان بمصالح این قانون بیشتر علم و اطلاع دارند البته بهتر می تواند تشخیص بدهند و راه حلی برای رفع این اشکالات پیدا کنند ما که سابقه نداریم فکری نکرده ایم بنده قبلاً هم عرض کردم بنده چه میدانم. صاحبان منازل خصوصی که فرشته نیستند و این اشکال هم وارد است اگر نوشته اید منازل خصوصی مستثنی هستند ولی برای گاراژ دارها و کاروانسرا دارها و اینها است این درست است ولی

این را که می فرمائید بطور کلی فراموش فرمائید که يك کسی در دهاتی وارد می شود منزل هر کسی در دهات منزل نوعی است یعنی هر جایك اطاقی هست يك نفر هم وارد می شود و فردا می رود و دیگری بهمان منزل وارد می شود این را می فرمائید منزل خصوصی است یا عمومی و چه حکمی درباره اش می کنید؟ اگر بفرمائید که این منزل خصوصی است بنده حرفی ندارم اشکالی هم نیست و از آن طرف هم گاراژ دارها و مهمان خانه چي ها مسبوق و مطلع باشند بد نیست ولی اشخاص متفرقه و منازل خصوصی اینها که رابطه زیادی ندارند مهمان خانه چي نیستند اطلاعاتی ندارند از آن مقررات و شناسائی اتباع خارجه اول هم عرض کردم افراد متشابه خیلی زیادند بی ممکن است اگر جدیداً ورود اروپائی باشد تشخیص بدهند اما اگر از اتباع دولت عراق یا از اتباع دولت افغان بود چه بکنند؟ الا آن هرانی های مقیم مشهد خیلی هستند بنده هم نمی توانم تشخیص بدهم که این آریا از اتباع داخله است یا خارجه مگر اینکه اول يك تکالیفی معین کنید که تذکره آن افغانی را اول به بند و سؤال بکنند. يك فکرهائی باید بکنید که بالاخره اسباب زحمت مردم نشود يك مقصودی که ما داریم و قانون می نویسیم و منظم می کنیم باید فکر این راهم بکنیم که فردا مردم در زحمت و در دسر نیفتند والا آن وقت طوری می شود که در بروی مردم دیگر باز نمیشود فکر این راهم بکنید اگر يك کسی وارد يك دهی شد وارد يك قصبه شد نصف شب نوبی برف و سرما در خانه یکی را بگوید در برویش باز نمی کنند راهش نمیدهند صاحب خانه میگوید چه کار دارم برای ۵ قران یا يك قران یا دو قران خودم را بزحمت بپردازم. پس مردم در زحمت خواهند افتاد و عبور و مرور قطع می شود فکرا اینها را هم بکنید که مردم گرفتار نشوند. این مقصود عرض بنده است حالا اگر يك تسهیلی بفرمائید و فکر زندگانی مردم را هم بکنید و جوابی بفرمائید که بنده ساکت و قانع بشوم بنده عرضی ندارم.

**وزیر داخله -** چون خیلی این اشکال برای آقا

منجسم شده است عرض میکنم که نگرانی نداشته باشند برای اینکه وقتی که ما گفتیم منازل عمو می اصطلاحاً

و نوعاً و عرفاً معین است که بکجا ها اطلاق می شود بخانه شخصی اطلاق نمی شود بعلاوه بنده عرض کردم برای صاحبان آن منازل عمومی مقررات این قانون همیشه روشن است زیرا تکلیف ما این است که بآنها اطلاع بدهیم و آنها هم در منازل عمومی شان اعلان کنند تا هم خودشان همیشه بخوانند و هم آن مسافرینی که آنجا وارد میشوند و همه تکلیف خودشان را بدانند بنا بر این تصور نمیکنم که اشکالی باشد....

**افسر** - مقصود بنده همین بود که توضیحاتی بفرمائید که صاحبان منازل خصوصی مشمول نیستند

**وزیر داخله** - بلی منازل خصوصی مشمول این مقررات نیستند

**رئیس** - پیشنهادها قرائت می شود:

پیشنهاد آقای رهنما

این جانب پیشنهاد میکنم که ماده ۸ لایحه اقامت اتباع خارجه حذف شود و جزو نظامنامه که از طرف وزارت داخله تنظیم میشود قید بشود.

پیشنهاد آقای فیهیمی

بنده پیشنهاد میکنم جمله اول ماده ۸ بطریق ذیل نوشته شود:

ماده ۸ - مأمورین ایران در خارجه در موقع ویزای تذکره و اوراق هویت اتباع خارجه مکلفند بآنها حالی کنند که در ظرف ۴۸ ساعت پس از ورود بهر نقطه از ایران محل توقف خود را کتباً بنظمیه محل اطلاع دهند.

پیشنهاد آقای شریعت زاده

بنده پیشنهاد میکنم در سطر ششم ماده ۸ بجای کلمه در منزل آنها نوشته بشود در آن منازل  
**رئیس** - ماده نهم قرائت میشود:

ماده نهم - هر خارجی که در خاک ایران اقامت دارد باید از دولت متبوع خود سندی داشته باشد که هویت و تابعیت او را ثابت نماید.

نمیکنند (یک نفر از نمایندگان - ما ولگرد نداریم آقا) وارد شود البته در ایران هم می آیند و نباید راه داد این اشکالی ندارد ولی ممکن است که مقصرین سیاسی که يك نصیرات سیاسی کرده اند و بيك جاهائی دیگر میروند و میمانند و بالاخره هم نمیتوانند از دولت خودشان يك سندی تحصیل نمایند برای اینکه مقصر سیاسی است خبط سیاسی کرده است او ممکن است بایران بیاید بيك تکلیفی برای او معین شود بيك نفری فراری است که از بيك مملکت بمملکت دیگر بعنوان مقصر سیاسی می آید این آدم بيك جنابیتی بيك کار هائی بيك چیزهائی نکرده است که موجب این باشد که حقیقه او را ردش کرد و نگذاشت وارد این مملکت بشود بنده میخواستم توضیح داده شود که اگر بيك فراری آمد که در خاک ایران سکونت نماید و اینها بيك مردمان شریر و فاسدی هم نبودند مقصر سیاسی هستند اینها ورقه هویت هم ندارند دولت با آنها چه معامله میکند اگر نتوانستند در آن موقع تصدیقی راجع به هویت خودشان بگیرند موجبات فساد هم در شان موجود نیست با آنها دولت چه معامله میکند؟ بعلاوه اینجا بنظمیه اختیاراتی داده شده است که باشخاص بتواند جواز موقت برای اقامت یا اجازه مخصوص برای خروج بدهد و حال آنکه مخصوصاً ممکن است در بین این نوع اشخاصی که عرض کردم بيك اشخاص محترمی باشند که اگر وزارت داخله در نظر بگیرد که اینها امورشان بيك کمیونی مراجعه شود یعنی آن کمیسیون در هویت آنها دقت کاملی بکند و رسیدگی کند بهتر است زیرا که اگر واقماً بيك مردمانی هستند که به هویت شان رسیدگی شده و صلاح هست این جا بیانند که خوب باتصویب آن کمیسیون یا هیئت دولت اجازه داده شود وارد شوند و الا با اختیار نظمه گذاشتن بنده تصور میکنم خوب نباشد

**وزیر داخله** - این مقررات آقا راجع است بیشتر

فرضش باشخصیکه در این موقع در ایران هستند و الا اشخاصیکه بخواهند حالا از خارجه بیایند البته ناسند و ورقه هویت قانونی خودشان را تحصیل نکرده باشند و

تذکره مرئوب نداشته باشند مأمورین خارجه ما البته تذکره آنها را ویزانی کنند و آنها نمی توانند بایران بیایند - پس این در مورد کسانی است که فعلاً در مملکت ما هستند و باید تکلیف آنها از نقطه نظر این قانون معین شود اما آن اشخاصی که فرمودید که کیها هستند و از چه قبیل هستند آنها را مانمی توانیم فرقی بادیگران بدهیم قانون که تصویب شد در مورد همه بالسویه مجری خواهد شد و این اختیاری هم که بيك اداره داده می شود البته اختیاری است که نمی شود از حدود آن تجاوز کرد و رسیدگی هائی که باید بشود در محل و موقع خودش بدقت می شود و تصور نمی کنم محتاج به تشکیل کمیسیون هم باشد زیرا در مورد هر کسی که راجع به هویتش تردیدی بود تحقیقات می شود استنطاقات می شود بعد از آنکه مشخص شد به مقامات ذی صلاحیت راپورت می شود آنوقت تکلیفشان معین می شود از نقطه نظر دادن جواز عبور یا موقت یا دائم اینها تمام متفرع خواهد بود بيك تحقیقات کافی که در جای خودش می شود.

**رئیس** - پیشنهاد قرائت میشود:

پیشنهاد آقای احتشام زاده

پیشنهاد میکنم در جمله آخر ماده ۹ راجع بزوجه و اولاد و احفاد و غیره بعد از عبارت در تحت کفالت نوشته شود و همراه او.

**رئیس** - ماده دهم قرائت میشود:

ماده ۱۰ - اجازه خروج از ایران از طرف نظمی محل اقامت دائمی یا موقتی خارجی باو داده خواهد شد.

**رئیس** - ماده یازدهم قرائت میشود:

ماده ۱۱ - خارجی راممکن است در موارد ذیل از خاک ایران اخراج و یا محل توقف او را تغییر داد:

الف - اگر برخلاف مقررات این قانون رفتار نماید.

ب - در صورتیکه مطابق مقررات مواد ۳ و ۴ اجازه عبور و یا توقف خارجی ملغی شود تصمیم اخراج خارجی را اداره نظمی بزرگ اجرا می گذارد.

در هر موقتی که تصمیم اخراج اتخاذ شود و تأخیر اجرای آن منافی مصالح مملکتی نیست از طرف نظمی و یا از

طرف ادارات ذیصلاحیت دیگر آن تصمیم و مهلتی که برای اجرا داده می شود به شخصیکه باید اخراج شود اخطار خواهد شد. هر گاه خارجی قبل کند که ذممدت معینه از ایران خارج بشود آزادانه خارج خواهد شد و الا تحت الحفظ اخراج می شود. مصارف اخراج در مواردیکه خارجی باید تحت الحفظ اخراج شود از محل عوائد مقرر بموجب ماده ۱۴ تادیه خواهد شد.

رئیس - ماده دوازدهم قرائت میشود:

ماده ۱۲ - در مواقعی که از اعطای جواز اقامت امتناع شده و تصمیم اخراج يك نفر خارجی از طرف مقامات ذیصلاحیتی که دولت معین می کند اتخاذ می شود خارجی حق خواهد داشت بوزارت داخله مراجعه کرده تقاضای تجدید نظر در تصمیم مزبور را بنماید. این تقاضا کتبا و یا تلگرافاً بوسیله مقام صلاحیت داری که تصمیم را اتخاذ کرده داده خواهد شد ولی خارجی می تواند مدلول تقاضای خود را مستقیماً هم بوزارت داخله ارسال دارد. تقدیم تقاضای تجدید نظر بموجب تعویق اجرای تصمیم اخراج با استثنای مواردیکه اخراج از نقطه نظر مصالح ممالک ذی فوریت دارد خواهد بود ولی ممکن است تا تعیین نتیجه تجدید نظر نظمیة خارجی را در تحت مراقبت مخصوص خود قرار دهد.

رئیس - ماده سیزدهم قرائت میشود:

ماده ۱۳ - برای حفظ امنیت و اموال عمومی و یا بملاحظات صحی هیئت وزراء می تواند تصمیمات ذیل را که ورود و اقامت و خروج و عبور خارجیان را محدود یا مشروط می نماید اتخاذ کند:  
الف - جلوگیری از کله یا قسمتی از مرادوات سرحدی  
ب - منع توقف موقتی یا دائمی در بعضی از مناطق یا عبور از بعضی مناطق ایران  
ج - اتخاذ وسایل مخصوص نظارت نسبت بخارجیان در موارد فوق العاده

رئیس - ماده چهاردهم قرائت میشود:

ماده ۱۴ - برای صدور اجازه موقت و یا دائم و تمدید اجازه عبور خارجیان حقوق ذیل اخذ خواهد شد:

- ۱ - برای تمدید اجازه عبور و صدور اجازه اقامت موقت و تجدید آن معادل يك ریال طلا
- ۲ - برای صدور اجازه اقامت دائم و تجدید آن معادل دو ریال طلا

رئیس - ماده پانزدهم قرائت میشود:

ماده ۱۵ - اشخاص ذیل بحسب تأدیبی از سه ماه تا يك سال و بجزای نقدی از صد تومان تا هزار تومان و یا یکی از این دو مجازات محکوم می شوند مگر اینکه جرم آنها مشمول قوانینی گردد که مجازات سخت تری معین کرده باشد.

۱ - هر کس تذکره یا جواز اقامت یا جواز عبور جعل کند و یا با علم بمجموع بودن آنها را استعمال نماید و یا این قبیل اوراق مجعوله را برای دیگری تحصیل نماید.

۲ - هر کس عمداً در نزد مأمورین ذی مدخل برای تحصیل تذکره و یا جواز اقامت و یا جواز عبور شهادت کذب داده و یا اظهارات خلاف واقع نماید و یا موضوعاتی را که در تشخیص تابعیت مؤثر است کتمان نماید و یا تذکره و یا جواز اقامت و یا جواز عبور و یا ورقه هویتی را که بوسائل مزبور تحصیل شده است عمداً استعمال کند.

۳ - هر کس عمداً بدون داشتن اسناد و جواز لازم از سرحد ایران عبور کند و همچنین هر کسی که از راه های غیر مجاز و یا سرحدات ممنوعه عبور نماید

۴ - هر کس برای اثبات هویت و یا تابعیت خود اسناد یا اوراق و یا ورقه هویت متعلق بدیگری را استعمال کند و هر کس برای اثبات تابعیت و یا هویت يك نفر خارجی اسناد و اوراق و یا ورقه هویت متعلق بخود یا غیر را بدیگری بدهد.

۵ - هر خارجی که برای فرار از اجراء تصمیم اخراج که درباره او اتخاذ شده است متخفی شود و یا پس از اخراج شدن از ایران مجدداً بدون اجازه بخاک ایران مراجعت کند.

۶ - هر کس در یکی از اعمال مذکوره فوق شرکت یا معاونت کرده باشد شروع بارتکاب جرمهای مذکوره در این ماده در حکم ارتکاب خواهد بود. هر کس برای استفاده از حقوقی که بموجب این قانون و یا نظامات

مربوطه به آن می توان تحصیل نمود در خارجه مرتکب یکی از اعمال مذکوره در فقرات ۱ و ۲ و ۴ این ماده بشود پس از آمدن بایران تعقیب و مجازات خواهد شد مگر در موارد ذیل:

الف - در صورتیکه در خارجه بموجب حکم قطعی محکوم و مجازات هم اجرا شده باشد

ب - در صورتیکه نسبت به تعقیب یا اجراء مجازات مطابق قوانین ایران مرور زمان حاصل شده باشد.

رئیس - آقای احتشامزاده .

احتشامزاده - در ماده پانزدهم برای اتباع خارجه

متخلفین از این قانون مجازاتی معین میکند در فقره اول می نویسد: هر کسی تذکره یا جواز اقامت یا جواز عبور جعل کند و یا با علم بمجموع بودن آنها را استعمال نماید و یا این قبیل اوراق مجعوله را برای دیگری تحصیل نماید بحسب تأدیبی از سه ماه تا یکسال و بجزای نقدی از صد تا هزار تومان و یا به یکی از این دو مجازات محکوم می شود

اولاً این قسمت دو اشکال دارد مجازاتی که در این ماده معین شده است متناسب نیست و کم است این جرم جعل در اسناد رسمی است و جزو جنایات است و مجازاتش را در اینجا مجازات جنحه معین کرده اند و بی تناسب است بعلاوه این جرم را قانون مجازات عمومی پیش بینی کرده است اشکال دیگر این است که در قانون مجازات عمومی این جرم تصریح شده است و وقتی آن جا تصریح شده است تکرار آن در این مورد لزومی ندارد مضافاً

بآن اشکال اولی که بنده کردم که ذکرش در اینجا مورد ندارد و بنده عقیده ام این است که این فقره اول حذف شود و با تصریحی که در قانون مجازات عمومی هست دیگر محتاج بذکر در اینجا نیست

رئیس - آقای شریعت زاده

شریعت زاده - بنده مخالفم

رئیس - عیبی ندارد موافقی اجازه نخواسته است بفرمائید

شریعت زاده - جعل و تزویر جواز عبور و یا تذکره

و صدور آن که در حدود صلاحیت ادارات است جعل

استناد رسمی است و بدین مناسبت در قانون مجازات عمومی مجازات شدیدی برای آن مقرر شده است بنیدانم بولت که این لایحه را تنظیم کرده است توجه بمقررات قانون جزا داشته است یا نه؟ اگر متوجه بوده و دلایلی داشته است که ذکر آن دلایل لزوم این جرم را ایجاب نموده باید آن دلایل توضیح شود تا ما هم بدانیم و اگر خیر توجه نداشته اند باید گفته بشود که راجع بحمل و تزویر جواز و تذکره ها که صدورش از ناحیه ادارات رسمی دولتی بعمل می آید و راجع باستعمال آن عالماً عامداً فقط مقررات قانون مجازات عمومی باید اعمال شود زیرا

نمیشود در يك مملکت برای يك جرم سیستم مجازات را تغییر داد و در مورد يك اشخاصی يك مجازات دیگری معین کرد البته اگر در نظر داشته اند که دلایلی برای تخفیف داشته باشند این مقررات هم در قانون مجازات عمومی هست که در ضمن رسیدگی اگر موجبات تعلیق یا تخفیف موجود باشد خود محاکم این کار را خواهند کرد بدین مناسبت است که بنده البته در موقع خود پیشنهاد خواهم کرد که این قضیه اصلاح شود

مخیر - البته کمیسیون از پیشنهاد آقا استفاده خواهد کرد لکن اینکه می فرمائید در قوانین عمومی ما مجازات سخت تری ذکر شده است ما هم در اینجا متذکر شده ایم یعنی در اینجا گفته ایم مگر اینکه جرم آنها مشمول قوانینی گردد که مجازات سخت تری برایش معین کرده باشند با اگر چنانچه در قوانین عمومی مجازاتی کمتر از این مبلغ است که ما میخواهیم کمتر از این برایش معین شود معیناً نظری که دارید پیشنهاد بفرمائید البته مورد دقت خواهد شد

رئیس - آقای یاسائی

یاسائی - عرض می شود در مورد جعل اسناد رسمی

و تذکره و غیره در قانون مجازات عمومی مجازات خیلی

سخت تری معین شده است مجازاتی که اینجا معین

شده است مجازات جنحه است زیرا در ابتدای ماده نوشته

حسب تأدیبی است و این عبارت بنظر بنده مصلحت نیست

و درباره هرکس که باشد چه در مملکت ایران اقدام به جعل کند چه در خارج ایران جعل کند باید مجازاتش مطابق همان مجازاتی باشد که در قانون جزای عمومی معین است چون در قانون جزای ما اینطور جرایم جنایت تشخیص شده است لذا هر جا مصداق پیدا کرد باید مجازات جنائی باشد موضوع دیگری که میخواستیم عرض کنم راجع بقره شش از ماده پانزدهم است که نوشته است هرکس بیک از اعمال مذکوره فوق شرکت یا معاونت نماید آنوقت دنباله آن ماده (که میباید فاصله هم داشته باشد و ندارد) مینویسد شروع بارتکاب جرمهای مذکوره در این ماده در حکم ارتکاب است و این بر خلاف قانون جزا است قانون جزای ما شروع بارتکاب جنایت را باین ترتیب که الان میخوانم مستلزم مجازات قرار داده ولی شروع بارتکاب جنحه از مجازات معاف است مگر آنکه در قانون تصریح شده باشد مگر اینکه نظر دولت يك نظر خاصی است که اینجا بالخصوص ولو اینکه شروع به مجازات هم باشد برای مرتکب مجازات معین کنند و الا بنظر بنده شروع بارتکاب مجازاتش فلسفه ندارد و اگر چنانچه نظرشان این نیست و منظور کلی مقصود است آنوقت شامل آن قسمت جنحه میشود که در قانون معاف است ماده ۲۰ قانون مجازات عمومی و مواد بعدش تصریح کرده و نوشته است هرگاه کسی قصد جنایتی کرده و شروع باجرای آن بنماید ولی بواسطه موانع خارجی که اراده فاعل در آنها مدخلیت نداشته قصدش معلق و بی اثر بماند و جنایت مذکوره واقع نشود مرتکب به حد اقل مجازاتی که به نفس جنایت مقرر است محکوم خواهد شد و اگر مجازات جنایت اعدام باشد مرتکب به حبس غیر دائم با مشقت محکوم میشود ماده ۲۱ مجرد قصد ارتکاب جنایت یا تهیه بعضی مقدمات جزئی آن شروع محسوب نمیشود ماده ۲۲ هرگاه کسی که شروع به جنایتی کرده و به میل خود آن عمل را ترك کند از جهت جنایت منظوره مجازات منظوره مجازات نخواهد شد لیکن اگر همان مقدار عملی که

بجا آورده است جرم باشد جزای مخصوص بآن جرم در حق او جاری میشود. ماده ۲۳ که مقصود بنده بود این است میگوید شروع بارتکاب جنحه... اینجامقدمه را جنحه معین کرده است چون مجازاتش حبس تادیبی است پس این تخلفات قانونی جنحه شناخته شده و مورد مشمول این ماده است ماده ۲۳ شروع بارتکاب جنحه فقط در صورتی مستلزم مجازات است که در قانون تصریح شده باشد. اینجا آیا مصلحتی ایجاد کرده است که باید شروع بارتکاب هم مستلزم مجازات باشد مثلاً کسی خیالی کرده و وسایلی فراهم کرده ولی باصطلاح به منصفه عمل نگذاشته و منصرف شده اصولاً و وجداناً و عقلاً نمیشود او را مجرم قرار داد مگر اینکه يك تهیه هائی دیده باشد که اصولاً از نظر انتظامات خطرناک و مهیب باشد و گفته شود يك نفر آدمی نباید در غیله خودش خطور کند خیال جنایت و قتل را در این باب گفته میشود به حد اقل مجازات اصل جرم محکوم میشود ولی در موارد جنحه و کارهای شبیه بآن است بنظر بنده نباید جرم قرار داده شود

**مخیر** - بله همینطور که فرمودید دولت در اینجا نظر خاصی داشته است که شروع را بمنزله عمل قرار داده است بجهت اینکه مصالح عمومی اقتضای این کار را دارد و اگر قدری دقت بفرمائید شروع باین کار بیشتر در مورد استفاده است برای اینکه من بعد يك همچو کارهائی مصداق پیدا نکند دولت شروعش را هم اگر ثابت بشود بمجرد خیال اگر دلائلی بر این اقامه بشود البته معنایش این است که کار را با کمال نرسانده است کار را شروع کرده ولی بانجام نرسانده و به عمل نیامده و الا مجرد فکر و خیال را که نمیشود برایش مجازاتی قائل شد يك همچو کسی که يك چنین کاری را کرده و هنوز به عرض عمل در نیاروده دولت این طور مقتضی دیده که چون مسئله فوق العاده مهم است و چون ممکن است در بعضی از مواقع منجر به بعضی مفسدات بشود در حکم جنحه قرارش داده است البته آقا در نظر دارید که مادر بسیاری از قوانین يك مجازاتهای

خصوصی مقرر داشته ایم این هم بیک از آن قوانین است و اینکه میفرمائید در قوانین مجازات عمومی مجازات سخت تری هست در اینجا تصریح شده اگر چنانچه در قوانین ما يك مجازات سخت تری باشد آنرا اعمال کنند این ذکر شده است و در این جا ظاهراً اشکالی ندارد معیناً با دقت نظری که جنابعالی دارید و برای این که قوانین مان ارتباط بیشتری با هم داشته باشد يك پیشنهادی بفرمائید البته درش دقت میکنیم

**رئیس** - آقای شریعت زاده

**شریعت زاده** - مذاکراتی که لازم بود شده. خواستم با اطلاع آقای مخیر برسانم که این طرز تعیین مجازات صحیح نیست که بگوئیم اگر در قوانین ما مجازات شدید تری باشد آن را معین کنند اصولاً این ماده ماده مخصوصی است و با اینکه مطابق قانون عمومی برای این فکر مجازات معین شده معنی این ماده جعل اسناد رسمی این است یعنی کسی که تذکره یا جوازی جعل کند به مجازات جعل محکوم نمیشود و بنده با این تخصیص مخالفم. اما راجع بقسمت دوم آقای یاسائی فرمودند که این شروع بارتکاب جرم نیست البته اصولاً همین طور است اما مانعی نیست که قوه مقننه برای شروع بجرم مجازاتی معین کند چنانکه در ماده ۲۲ در قسمت اخیرش تصریح شده این است همان طور که آقای مخیر گفتند خوب است به کمیسیون مراجعه و تصحیح شود و در زیاد درش دقت کنند

**رئیس** - آقای ملک موافقت؟

**ملک مدنی** - خبر نظری داشتم میخواستیم عرض کنم

**رئیس** - بفرمائید

**ملک مدنی** - خواستم عرض کنم در این ماده ۱۶ همان مجازاتی را که برای يك نفر متخلف اتباع خارجه در نظر گرفته شده همان مجازات را برای صاحب مهمانخانه ها در نظر گرفته اند در صورتیکه هیچ با هم مشابهت ندارد اگر يك کسی برخلاف مقررات قانون از اتباع خارجه رفتار کرد مجازات شدید تری باید داشته باشد ولی اگر چنانچه کسی که مهمانخانه دارد و يك کسی آمد و در

منزل او وارد شد بعد از دو روز چهل و هشت ساعت که گذشت و اطلاع نداد آهم باید همین مجازاتی را داشته باشد که يك کسی بانذکره جعل وارد شده؟ و يك اقدامات دیگر در نظر داشته؟ بنظر بنده در این قسمت باید يك مجازات خیلی سبکی برای کسیکه فرض کنید غفلت کرده و راپورت نداده که مثلاً یکنفر از اتباع خارجه وارد شده قائل شد جزا همیشه باید تناسب با جرم داشته باشد. و اینجا هیچ تناسب ندارد و بنظر بنده قسمت اخیر این ماده باید حذف شود برای این اشخاص يك مجازات خیلی

ضعیفی در نظر گرفت که اسباب زحمت مردم نشود

**مخیر** - آقا میفرمائید ماده ۱۶ حالا در ماده ۱۵ صحبت میشود گمان میکنم فرمایش آقا مربوط باین ماده نباشد.

**ملک مدنی** - چرا آخر ماده را بخوانید.

**رئیس** - آقای یاسائی

**یاسائی** - بنظر بنده این مانع ندارد همانطور که آقای شریعت زاده فرمودند وقتیکه قوه مقننه تصمیم بگیرد برای هر کاری يك مجازاتی معین کنند البته اشکالی ندارد. این میشود جرم و مجازات هم میشود. ولی میخواهم به بنیم مقتضی هست در بعضی از موارد ما بیائیم و شروع بکار را هم جرم قرار بدهیم. مثلاً یکی از اتباع خارجه در مشهد مقیم است میخواهد برود بدون جواز شروع بارتکاب هم میکند و همانطور که آقای کازرونی فرمودند يك قسمت از عمل را هم مرتکب میشود و شروع بکار هم میکند يك مقدار از راه هم میرود تا چنانچه هم میرود بعد پشیمان میشود تا میرسد بقوچان حالا این را باید مجازات کرد؟ بعقیده بنده این مصلحت نیست. مثلاً تذکره جعل میکند بخيال استعمال بعد از جعل و استعمال و نشان دادن و ارائه دادن پشیمان میشود. در اینجا اگر ثابت شد که ساخته است برای استعمال همین برای ساختنش باید مجازاتی قائل شد ولی همه این موارد بسته بهم نیستند و ارتباطی با هم ندارند. اینست که خیال میکنم آقایان خوب است توجه بفرمایند و يك تجدید نظری در کمیسیون بشود برای شور دوم.

مخبر - فرمایش جنابعالی البته صحیح است مسئله شقوق متعددی دارد ما اگر در اینجا بخواهیم تمام وارد شقوق و مذاکره همه آنها بشویم لزومی ندارد این ها مربوط به نظامنامه است در نظامنامه این تکالیف را معین میکند بدیهی است يك کسی نیت و فکر کرد معین هم کرد پیش خودش که چطور تذکره را جعل کند یکقدری هم حرکت کرد ولی استفاده نکرد ما که نمیخواهیم او را مجازات کنیم بهر حال باز هم مجدداً عرض میکنم اگر پیشنهادی دارید بفرمائید ما با کمال میل و اشتیاق در کمیسیون دقت و اصلاح میکنیم.

رئیس - پیشنهادات قرائت میشود.

پیشنهاد آقای احتشام زاده:

پیشنهاد میکنم چون قانون مجازات عمومی تکلیف مجازات شربك و معاون جرم تعیین شده پیشنهاد میکنم قسمت اول فقره ۶ ماده ۱۵ حذف شود.

پیشنهاد دیگر آقای احتشام زاده

پیشنهاد میکنم فقره ۱ ماده ۱۵ حذف شود.

رئیس - ماده شانزده قرائت میشود:

ماده ۱۶ - هر خارجی که مقررات این قانون و بنا نظامات و احکامی را که بر طبق این قانون صادر میشود رعایت نکند بجزای نقدی از شش تومان تا سیصد تومان محکوم خواهد شد مگر اینکه برای جرم او در این قانون یا قوانین دیگر مجازات سخت تری معین شده باشد همین مجازات در باره صاحبان منازل عمومی نیز مجری خواهد شد که به تکلیف مقرر در ماده نه عمل نکرده باشند

رئیس - آقای احتشام زاده

احتشام زاده - بنظر بنده این ماده خوب تنظیم نشده برای اینکه در ظاهر يك تناقضی بین ماده پانزده و شانزده هست برای اینکه در ماده پانزده برای بعضی کارها يك مجازاتی مقرر کرده است ولی در اینجا بطور کلی مینویسد که مقررات این قانون و احکامی که بر طبق این قانون صادر می شود موکول می شود يك قوانین دیگری البته مقصود این بوده. مواردی که در ماده پانزده ذکر

مخبر - جزای شش تومان به عقیده بنده چون اسباب تشبه و تبهش می شود برای آینده این قدر زیاد نیست اما اگر ثابت شد که این خبر نداده برای اینکه تقلبی کرده باشد البته جزایش همین است که ذکر شده و در صورتیکه این ظرر باشد و به ثبوت برسد گاهی است که اشتباه میکند یا مسامحه کرده جزایش شش تومان است و شش تومان هم اقل مراتب است.

رئیس - آقای یاسائی

یاسائی - عرض میکنم در این قسمت ها این طور نباید اهمیت قائل شد. در وضع مجازات ممکن است آئیه مسائلی که لازم است آورد و جنبه جنائی داد و تکرار کرد در صورتیکه در طبقه بندی و کلاسمان جرم ها يك شرایط و قبودی معین کرده اند که مجازات متناسب باشد با جرم. این موضوع متخلفین که در این جا قید شده است در قسمت صاحبان منازل عمومی و صاحبان مهمانخانه ها و غیره این ها بنظر بنده تخلفشان خلافی است حتی جنحه هم نیست الا آن معمول است الا آن نظمی هم مکلف کرده است مطابق نظامات خودش. چون در تمام دنیا نظمی يك نظامات مخصوصه دارد و مطابق نظامات خودش حق دارد که از هر مهمانخانه صورت وارد و خارجش را خواهد و مهمانخانه ها هم باید صورت بدهند از ورود و خروجشان از تبعه داخله و خارجه و صورتی باید از کسانی که وارد و خارج می شوند و مدت توقفشان تنظیم کند و بدهند و احصایه میدهند به نظمی ها و بنظر بنده نباید جنحه هم باشد از نظر شغل و کار نظمی باید به آنها صورت بدهند از نقطه نظر شغل نظمی کار نظمی اینها نافع است ولی ما نباید يك کسی اگر تخلف کرد آنها را جنحه تصور کنیم اینها هنوز خلافی است و در حدود سایر مسائل خلافی است که نظمی برای آنها نظامنامه وضع میکند ولی این جا تخلفش را میرساند بمنصه جزا در صورتیکه اینهم از همان موارد است. شما حداقل راضی تومانی گرفته اید ولی حداکثر را سیصد تومان قرار داده اید بعقیده بنده برای يك از خلافی جزای سیصد تومان معین کردن مورد ندارد. صاحبان منازل عمومی مطابق نظامات نظمی باید رفتار کنند و همان احصایه که میدهند در عین حال مال اتباع

خارج راه میدهند اگر هم تخلف کردند يك مجازات متناسبی برایش معین کنند.

وزیر داخله - راجع به موضوع مجازات که در ماده پانزده و شانزده هست میخواهم بطور کلی خاطر آقایان را متذکر بکنم که البته در يك مواردی که يك مجازاتهای معین می شود از نقطه نظرهای مختلف و بسته يك اهمیتهای کم و بیشی است که آن موارد دارد و آن موارد هم فرق میکنند. در باب مجازات تخلف از مقررات این قانون ما بیشتر دقت کردیم نظر باینکه با اجرای این قانون بیشتر اهمیت میدهیم و بدیهی است در عین حال هم همانطور که مذاکره شد و آقای مخبر کمیسیون هم اظهار کردند چون موضوع قابل توجهی است حاضر هم هستیم که مذاکره کنیم تبادل نظر کنیم. که حتی الامکان دقت بیشتر بعمل بیاید و اما این راهم عرض میکنم که اینکه میفرمایند اگر صاحبان منازل عمومی اطلاع ندهند این چندان تقصیر و تخلفش اهمیت ندارد و باید فقط از نقطه نظر خلافی تلقی شود بنده باین نظر چندان موافق نیستم برای اینکه درست وقتی در نظر بگیریم در يك همچو موردی زحماتی ممکن است تولید بشود و قضایای خاصی پیش بیاید که آنوقت تصدیق خواهید کرد که باید يك قدری بیشتر این مورد را محل توجه قرار داد. حالاهم البته وارد در جزئیاتش نمی شوم ولی در کمیسیون که کلیتاً راجع به مجازات ها و تطبیق موارد صحبت میکنیم ممکن است در آنجا بیشتر مذاکره شود.

رئیس - آقای طهرانی

طهرانی - عرض کنم بنده هم منظورم همین است و یک قسمت از عرایض بنده را آقای یاسائی بیان فرمودند این يك مسئله خلافی است که جرمش شش تومان هم زیاد است چه رسد به سیصد تومان. اولاً این یکی از وظائف مختصه نظمی است در مهمانخانه ها و منازل عمومی هم روز مامورین نظمی مراجعه بکنند گردش بکنند سؤالات بکنند تقیض بکنند به پندگی وارد شده چه شده و البته صاحبان منازل یا کسیکه مهمانخانه دارد او هم يك کسی نیست که مخفی و پنهان بکند بلکه اگر ثابت شود یا معین شود بکو قتی که يك صاحب مهمانخانه بایک کسی



ساخت و سازی کرده است البته هر مجازاتی معین کنند مطابق آن خلافی که کرده است صحیح است ولی صرف این معنی ندارد مایک قانونی که وضع میکنیم آقا مردم اطلاع ندارند عمل نکرده اند تا بروند عمل کنند و مردم عادت بکنند مهمانخانه‌چی‌ها عادت بکنند طول دارد چون حالا عادت نکرده اند که هر کس وارد مهمانخانه می‌شود برود به نظمی اطلاع بدهد شما تازه می‌آئید یک قانونی برای آن وضع میکنید و برای تخلف از این مقررات یک همچو مجازات سختی معین کردن این تصور میکنم برخلاف عدل و انصاف است و بنده عقیده‌ام این است که بهتر این است که مسئولیت این کار را در نظامنامه بیشتر متوجه نظمی کنیم و آنها را موظف کنیم که بروند در مهمانخانه‌ها گردش کنند سؤال کنند و صاحبان منازل عمومی هم مکلف باشند که به آنها جواب و اطلاع بدهند و واردین به همان خانه را راپرت بدهند و الا همین‌طور بعضی ندادن اطلاع شش تومان از او بگیرند این شش تومان سرمایه ندارد از کجا بدهد دیگر چه رسد به سیصد تومان.

**مخبر** - اولاً فرمودند باید سیصد تومان بدهند هیچ همچو چیزی در این قانون نیست گفتند اگر چنانچه صاحبان منازل عمومی در ظرف چهار و هشت ساعت اطلاع ندادند ممکن است از شش تومان تا سیصد تومان محکوم شوند (طهرانی حد اقلش شش تومان است) بواسطه اینکه پای خارجی در کار است و بسا میشود که از این دسیسه که کرده است از این خدعه که بکار برده است ممکن است دولت دچار هزار گونه زحمت بشود اگر پای داخلی در بین بود هیچ اهمیت نداشت دیروز جنابعالی قانون برای مجازات قاچاق گذراندید که از برای یک مقدار کمی یک مبلغ فوق الطاقه جرم بدهند برای چه؟ برای اینکه اصل قاچاقچی گری از بین برود نظر حضرتعالی و ما و دولت این بود ولی اینجا چه بسا میشود که دولت دچار اشکالات سیاسی میشود بواسطه اینکه یک صاحب مهمانخانه خواسته است شریک یک جرم و جنایتی بشود و البته دولت در نظر ندارد که عیب برای اشتباه مردم

تومان تا بیشتر ولی چون دولت حالا این طور پیشنهاد کرده بنظر بنده هیچ اشکالی ندارد.

**رئیس** - آقای هزار جریبی.

**هزار جریبی** - عرض کنم اینکه آقای کارزونی میفرمایند معلوم میشود که دقت صحیحی در تنظیم این لایحه نشده است اگر متوجه بودند این جا ماده شانزده اشاره میکند بآنچه که در ماده ۹ نوشته شده است (مخبر - اشتباه شده است) دیگر اینکه اینجا مینویسد منازل عمومی منازل عمومی در همه جایکسان نیست طهران را نباید مقیاس گرفت این قانون برای تمام مملکت است در استرآباد کاروانسراها هم منازل عمومی است همه جا هم که مهمانخانه ندارد تبعه خارجه هم ممکن است ترکمن باشد ترکمنهای ما و ترکمنهای دولت همسایه هم با هم مشابه هستند و با هم روابط معامله دارند رفت و آمد دارند چهل و هشت ساعت هستند و میروند آنها میدانند که این تبعه خارجه است یا تبعه ایران است و این که مینویسد که این قانون بعد از ده روز بموقع اجرا گذاشته میشود ممکن نیست در خود طهران هم گاهی بعد از ده روز نمیشود بموقع اجرا گذارد چه برسد بولایات این نظرها باید از نقطه نظر عموم مردم گرفت و بنده گمان میکنم بهتر این است که وزارت داخله یک نظریات صحیحی تعیین کند و الا بنده باین لایحه خیلی ایراد دارم.

**رئیس** - پیشنهادات قرائت میشود

**پیشنهاد آقای احتشامزاده**

پیشنهاد میکنم ماده شانزده بطریق ذیل اصلاح شود:

ماده ۱۶ - هر خارجی که مقررات این قانون و یا نظامات و احکامی را که بر طبق این قانون صادر میشود رعایت نکند جز در مواردی که در ماده ۱۵ تعیین شده به جزای نقدی از شش تومان تا سیصد تومان محکوم خواهد شد.

**پیشنهاد دیگر آقای احتشامزاده**

پیشنهاد میکنم در جمله آخر ماده ۱۶ بجای ماده ۹ نوشته شود ماده (۸)

**پیشنهاد آقای ملک مدنی**

بنده پیشنهاد مینمایم در قسمت ماده ۱۶ این قسمت اخیر حذف شود (همین مجازات در باره صاحبان منازل عمومی نیز مجری خواهد شد که به تکلیف مقرر در ماده ۹ عمل نکرده باشد)

**رئیس** ماده ۱۷ قرائت میشود:

ماده ۱۷ - عا که متخلفین از مقررات این قانون در محاکم عمومی بعمل خواهد آمد.

**رئیس** - ماده هیجده قرائت میشود:

ماده ۱۸ - اشخاص ذیل از مقررات این قانون مستثنی خواهند بود

۱ - کسانی که دارای مصونیت سیاسی هستند

۲ - مأمورین قنصلی دول خارجه و افراد عامه آنها که با هم در یک خانه زندگانی میکنند و اعضاء درسی آنها ولی اگر اتباع ایران از طبقات مذکوره مقیمین در یکی از ممالک خارجه از مزایای مزبور کلاً یا بعضاً بهره‌مند نباشند نسبت باتباع مملکت مزبور از طبقات فوق معامله متقابل خواهد شد

از طرف مأمورین ایران بمشمولین ققرات (۱) و (۲) این ماده برای ورود بایران و همچنین برای عبور و خروج از ایران ویزای سیاسی داده میشود.

۳ - اعضاء هیئت های اعزامیه دول خارجه که با موافقت دولت ایران وارد میشوند و کسان دیگری که دارای ویزای سیاسی مأمورین ایران باشند با موافقت وزارت داخله ضمن نظامنامه مخصوص تعیین میشود.

**رئیس** - آقای عدل

**عدل** - عرض میشود در اینجا تصور میکنم در چاپ قدری اشتباه شده این تبصره که بعد از سطر ماده ۱۹ نوشته شده آن تبصره مربوط باین ماده است و این سطر آخر ماده هم مربوط بآن تبصره است. حالا بنده میخواهم آقای مخبر درست توجه بفرمایند مینویسد: (اعضاء هیئت های اعزامیه دول خارجه که با موافقت دولت ایران وارد ایران میشوند و کسان دیگری که دارای ویزای سیاسی مأمورین ایران باشد) اینهم باشد نیست باشند است.

آنوقت ماده تمام میشود و تبصره شروع میشود (مقررات مربوط باین ماده از طرف وزارت امور خارجه با موافقت وزارت داخله ضمن نظامنامه مخصوص تعیین میشود این اشتباه شده است) (نمایندگان - صحیح است)

مخبر - پیشنهاد بدهید البته اصلاح میشود

جمعی از نمایندگان - پیشنهاد ندارد اشتباه است

رئیس - آقای فهیمی

فهیمی - عرضی ندارم

رئیس - پیشنهاد آقای احتشام زاده قرائت میشود:

پیشنهاد میکنم ماده ۱۸ بطریق ذیل اصلاح شود

ماده ۱۸ - اشخاص ذیل از انجام وظائفی که بموجب این قانون مقرر است مستثنی خواهند بود.

رئیس - ماده ۱۹ قرائت میشود:

ماده ۱۹ - راجع باعضاء واجزای کشتی ها و مسافرینی که قصد ورود و اقامت ایران را نداشته و اسناد لازمه که بموجب این قانون باید دارا باشند ندارند و در موقع توقف موقتی کشتی ها در بنادر ایران پیاده میشوند

وزارت امور خارجه و وزارت داخله و وزارت مالیه نظامنامه مخصوص تدوین و باداره کل تشکیلات نظمی مملکتی و مامورین بنادر ابلاغ خواهند نمود

رئیس - آقای رهنما

رهنما - عرض کنم اینماده اصلا مفهوم نمیشود آقای

مخبر توجه بسکنند بالاخره يك سطرش بالا يك سطرش یا این این اصلا مفهوم نمیشود آقای مخبر توجه فرمایند

خوب بود بعد از طبع این لایحه را مراجعه میکردند و اینطور غلط های مطلبی را درست میکردند که بشود

درش بحث بشود. عجلاله بهتر این است که آقای مخبر ماده را تنظیم کنند و خودشان بخوانند

این لایحه اساساً نمیدانم چه شکل و چه عبارتی نوشته شده است این عبارات بهم پیچیده و مغلط و کوفته و بیک شکل غیر معلومی است اینها را باید تصحیح کنند.

مخبر - بطوریکه آقا فرمودند باید بنده مصحح بشوم در مطبعه که مطبعه غلط چاپ نکند والا چیزی را که ما

بمطبعه داده ایم عینش پیش بنده است و همانطور است که میفرمائید اشتباه کرده اند و يك سطرش را عوضی آورده اند در این جا چاپ کرده اند بعد البته اصلاح می شود (بعضی از نمایندگان - بخوانید ماده را آقا)

ماده ۱۹ - راجع باعضاء واجزای کشتی ها و مسافرینی که قصد ورود و اقامت ایران را نداشته ....

(رهنما - بلند تر و بواش تر بخوانید که بنویسیم)

افسر - بلند تر و بواشتر؟

یکی از نمایندگان - مقصود این است که بلندتر اما با تانی بخوانند نه سریع

مخبر - یعنی می فرمائید جمع بین اعداد بکنم؟

راجع باعضاء واجزای کشتیها و مسافرینی که قصد ورود و اقامت ایران را نداشته و اسناد لازمه که بموجب این قانون باید دارا باشند الی آخر پس بنابر این چه ربطی بدولت دارد اگر مقصود ایرادهای يك قدری غیر جدی باشد آنموضوع دیگری است و الا این جا آقا ماتمام مذاکرات و مباحثاتمان جدی است

رئیس - آقای اعتبار فرمایشی دارید

اعتبار - عرضی ندارم.

یک نفر از نمایندگان - تبصره را آقای مخبر توضیح بدهند.

مخبر این تبصره مربوط به ماده ۱۸ است و اشتباهها در اینجا نوشته شده خواهش میکنم اصلاح فرمائید

رئیس - ماده بیست قرائت میشود

ماده ۲۰ - خارجیانی که در تاریخ اجرای این قانون در ایران میباشند باید در ظرف دو ماه از تاریخ مزبور مستقیماً به نظمی محل اقامت خود مراجعه کرده اجازه اقامت تحصیل نمایند دوائر نظمی بر طبق ماده ۷ عمل خواهند نمود

رئیس - آقای دادور

دادور - این ماده اشتباه شده است نوشته است دوائر نظمی بر طبق ماده ۷ و حال آنکه باید نوشته شود بر طبق ماده ۴

رئیس - این ماده اشتباه شده است نوشته است دوائر نظمی بر طبق ماده ۷ و حال آنکه باید نوشته شود بر طبق ماده ۴

رئیس - این ماده اشتباه شده است نوشته است دوائر نظمی بر طبق ماده ۷ و حال آنکه باید نوشته شود بر طبق ماده ۴

رئیس - این ماده اشتباه شده است نوشته است دوائر نظمی بر طبق ماده ۷ و حال آنکه باید نوشته شود بر طبق ماده ۴

رئیس - این ماده اشتباه شده است نوشته است دوائر نظمی بر طبق ماده ۷ و حال آنکه باید نوشته شود بر طبق ماده ۴

رئیس - این ماده اشتباه شده است نوشته است دوائر نظمی بر طبق ماده ۷ و حال آنکه باید نوشته شود بر طبق ماده ۴

رئیس - این ماده اشتباه شده است نوشته است دوائر نظمی بر طبق ماده ۷ و حال آنکه باید نوشته شود بر طبق ماده ۴

رئیس - این ماده اشتباه شده است نوشته است دوائر نظمی بر طبق ماده ۷ و حال آنکه باید نوشته شود بر طبق ماده ۴

رئیس - این ماده اشتباه شده است نوشته است دوائر نظمی بر طبق ماده ۷ و حال آنکه باید نوشته شود بر طبق ماده ۴

رئیس - این ماده اشتباه شده است نوشته است دوائر نظمی بر طبق ماده ۷ و حال آنکه باید نوشته شود بر طبق ماده ۴

رئیس - این ماده اشتباه شده است نوشته است دوائر نظمی بر طبق ماده ۷ و حال آنکه باید نوشته شود بر طبق ماده ۴

رئیس - این ماده اشتباه شده است نوشته است دوائر نظمی بر طبق ماده ۷ و حال آنکه باید نوشته شود بر طبق ماده ۴

رئیس - این ماده اشتباه شده است نوشته است دوائر نظمی بر طبق ماده ۷ و حال آنکه باید نوشته شود بر طبق ماده ۴

رئیس - این ماده اشتباه شده است نوشته است دوائر نظمی بر طبق ماده ۷ و حال آنکه باید نوشته شود بر طبق ماده ۴

رئیس - این ماده اشتباه شده است نوشته است دوائر نظمی بر طبق ماده ۷ و حال آنکه باید نوشته شود بر طبق ماده ۴

رئیس - این ماده اشتباه شده است نوشته است دوائر نظمی بر طبق ماده ۷ و حال آنکه باید نوشته شود بر طبق ماده ۴

رئیس - این ماده اشتباه شده است نوشته است دوائر نظمی بر طبق ماده ۷ و حال آنکه باید نوشته شود بر طبق ماده ۴

رئیس - این ماده اشتباه شده است نوشته است دوائر نظمی بر طبق ماده ۷ و حال آنکه باید نوشته شود بر طبق ماده ۴

مخبر - صحیح است

رئیس - ماده ۲۱ قرائت میشود:

ماده ۲۱ - در نقاطی که نظمی تأسیس نشده باشد وظائفی را که مطابق این قانون بر عهده آن محول است حاکم یا نماینده حکومت محل انجام خواهد داد

رئیس - ماده ۲۲ قرائت میشود:

ماده ۲۲ - این قانون ده روز پس از تصویب بموقع اجرا گذارده می شود

رئیس - آقای احتشام زاده

احتشام زاده - البته بعد از تصویب این قانون آن ماده واحد مصوبه کمیسیون عدلیه موردی ندارد و منسوخ است و باید در این جا نسخش ذکر شود و الا تناقض بین این قانون و آن قانون خواهد بود و خوب نیست عبارت اینماده حاکی از نسخ ماده واحد مصوبه یازدهم تیرماه ۱۳۰۸ کمیسیون عدلیه است و باید در اینموضوع يك ماده الحاق شود.

رئیس - پیشنهاد آقای احتشام زاده

احتشام زاده - البته بعد از تصویب این قانون آن ماده واحد مصوبه کمیسیون عدلیه موردی ندارد و منسوخ است و باید در این جا نسخش ذکر شود و الا تناقض بین این قانون و آن قانون خواهد بود و خوب نیست عبارت اینماده حاکی از نسخ ماده واحد مصوبه یازدهم تیرماه ۱۳۰۸ کمیسیون عدلیه است و باید در اینموضوع يك ماده الحاق شود.

رئیس - آقای احتشام زاده

احتشام زاده - البته بعد از تصویب این قانون آن ماده واحد مصوبه کمیسیون عدلیه موردی ندارد و منسوخ است و باید در این جا نسخش ذکر شود و الا تناقض بین این قانون و آن قانون خواهد بود و خوب نیست عبارت اینماده حاکی از نسخ ماده واحد مصوبه یازدهم تیرماه ۱۳۰۸ کمیسیون عدلیه است و باید در اینموضوع يك ماده الحاق شود.

رئیس - آقای احتشام زاده

احتشام زاده - البته بعد از تصویب این قانون آن ماده واحد مصوبه کمیسیون عدلیه موردی ندارد و منسوخ است و باید در این جا نسخش ذکر شود و الا تناقض بین این قانون و آن قانون خواهد بود و خوب نیست عبارت اینماده حاکی از نسخ ماده واحد مصوبه یازدهم تیرماه ۱۳۰۸ کمیسیون عدلیه است و باید در اینموضوع يك ماده الحاق شود.

رئیس - آقای احتشام زاده

احتشام زاده - البته بعد از تصویب این قانون آن ماده واحد مصوبه کمیسیون عدلیه موردی ندارد و منسوخ است و باید در این جا نسخش ذکر شود و الا تناقض بین این قانون و آن قانون خواهد بود و خوب نیست عبارت اینماده حاکی از نسخ ماده واحد مصوبه یازدهم تیرماه ۱۳۰۸ کمیسیون عدلیه است و باید در اینموضوع يك ماده الحاق شود.

رئیس - آقای احتشام زاده

احتشام زاده - البته بعد از تصویب این قانون آن ماده واحد مصوبه کمیسیون عدلیه موردی ندارد و منسوخ است و باید در این جا نسخش ذکر شود و الا تناقض بین این قانون و آن قانون خواهد بود و خوب نیست عبارت اینماده حاکی از نسخ ماده واحد مصوبه یازدهم تیرماه ۱۳۰۸ کمیسیون عدلیه است و باید در اینموضوع يك ماده الحاق شود.

رئیس - آقای احتشام زاده

احتشام زاده - البته بعد از تصویب این قانون آن ماده واحد مصوبه کمیسیون عدلیه موردی ندارد و منسوخ است و باید در این جا نسخش ذکر شود و الا تناقض بین این قانون و آن قانون خواهد بود و خوب نیست عبارت اینماده حاکی از نسخ ماده واحد مصوبه یازدهم تیرماه ۱۳۰۸ کمیسیون عدلیه است و باید در اینموضوع يك ماده الحاق شود.

رئیس - آقای احتشام زاده

احتشام زاده - البته بعد از تصویب این قانون آن ماده واحد مصوبه کمیسیون عدلیه موردی ندارد و منسوخ است و باید در این جا نسخش ذکر شود و الا تناقض بین این قانون و آن قانون خواهد بود و خوب نیست عبارت اینماده حاکی از نسخ ماده واحد مصوبه یازدهم تیرماه ۱۳۰۸ کمیسیون عدلیه است و باید در اینموضوع يك ماده الحاق شود.

رئیس - آقای احتشام زاده

احتشام زاده - البته بعد از تصویب این قانون آن ماده واحد مصوبه کمیسیون عدلیه موردی ندارد و منسوخ است و باید در این جا نسخش ذکر شود و الا تناقض بین این قانون و آن قانون خواهد بود و خوب نیست عبارت اینماده حاکی از نسخ ماده واحد مصوبه یازدهم تیرماه ۱۳۰۸ کمیسیون عدلیه است و باید در اینموضوع يك ماده الحاق شود.

رئیس - آقای احتشام زاده

احتشام زاده - البته بعد از تصویب این قانون آن ماده واحد مصوبه کمیسیون عدلیه موردی ندارد و منسوخ است و باید در این جا نسخش ذکر شود و الا تناقض بین این قانون و آن قانون خواهد بود و خوب نیست عبارت اینماده حاکی از نسخ ماده واحد مصوبه یازدهم تیرماه ۱۳۰۸ کمیسیون عدلیه است و باید در اینموضوع يك ماده الحاق شود.

رئیس - آقای احتشام زاده

احتشام زاده - البته بعد از تصویب این قانون آن ماده واحد مصوبه کمیسیون عدلیه موردی ندارد و منسوخ است و باید در این جا نسخش ذکر شود و الا تناقض بین این قانون و آن قانون خواهد بود و خوب نیست عبارت اینماده حاکی از نسخ ماده واحد مصوبه یازدهم تیرماه ۱۳۰۸ کمیسیون عدلیه است و باید در اینموضوع يك ماده الحاق شود.

رئیس - آقای احتشام زاده

احتشام زاده - البته بعد از تصویب این قانون آن ماده واحد مصوبه کمیسیون عدلیه موردی ندارد و منسوخ است و باید در این جا نسخش ذکر شود و الا تناقض بین این قانون و آن قانون خواهد بود و خوب نیست عبارت اینماده حاکی از نسخ ماده واحد مصوبه یازدهم تیرماه ۱۳۰۸ کمیسیون عدلیه است و باید در اینموضوع يك ماده الحاق شود.

رئیس - آقای احتشام زاده

احتشام زاده - البته بعد از تصویب این قانون آن ماده واحد مصوبه کمیسیون عدلیه موردی ندارد و منسوخ است و باید در این جا نسخش ذکر شود و الا تناقض بین این قانون و آن قانون خواهد بود و خوب نیست عبارت اینماده حاکی از نسخ ماده واحد مصوبه یازدهم تیرماه ۱۳۰۸ کمیسیون عدلیه است و باید در اینموضوع يك ماده الحاق شود.

رئیس - آقای احتشام زاده

احتشام زاده - البته بعد از تصویب این قانون آن ماده واحد مصوبه کمیسیون عدلیه موردی ندارد و منسوخ است و باید در این جا نسخش ذکر شود و الا تناقض بین این قانون و آن قانون خواهد بود و خوب نیست عبارت اینماده حاکی از نسخ ماده واحد مصوبه یازدهم تیرماه ۱۳۰۸ کمیسیون عدلیه است و باید در اینموضوع يك ماده الحاق شود.

رئیس - آقای احتشام زاده

احتشام زاده - البته بعد از تصویب این قانون آن ماده واحد مصوبه کمیسیون عدلیه موردی ندارد و منسوخ است و باید در این جا نسخش ذکر شود و الا تناقض بین این قانون و آن قانون خواهد بود و خوب نیست عبارت اینماده حاکی از نسخ ماده واحد مصوبه یازدهم تیرماه ۱۳۰۸ کمیسیون عدلیه است و باید در اینموضوع يك ماده الحاق شود.